



جغرافیای تاریخی منطقه زاگرس مرکزی در دوران پیش از اسلام

دکتر یعقوب محمدی فر*

چکیده

با توجه به اهمیت جغرافیای تاریخی غرب ایران، متأسفانه تاکنون کمتر به جغرافیای تاریخی منطقه زاگرس مرکزی پرداخته شده است. این منطقه بخش عمده استان کرمانشاه و بخشی از استان‌های همجوار آن را تشکیل می‌دهد. آن‌چه به عنوان یک کلیت اساسی مطرح است این‌که این منطقه به عنوان خاستگاه اولین حکومت ایرانی یعنی مادها دانسته شده است و همدان به عنوان مرکز این حکومت از شهرت جهانی برخوردار است؛ لیکن در خصوص شهرهای دیگری که در این محدوده و خصوصاً در مسیر راه باستانی به سمت بابل قرار داشته‌اند، کمتر نوشته شده است. در این مقاله منابع موجود در چهار دوره زمانی شامل جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی از آغاز تا دوره هخامنشی، دوران اشکانی و بالاخره جغرافیای تاریخی منطقه در دوران ساسانی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

کلیدواژگان: زاگرس مرکزی، جغرافیای تاریخی، پیش از اسلام.

مقدمه

لیکن با رجوع به مدارک مکتوب فراوانی که در کشور همسایه (بین النهرین) یافت شده است می‌توان اشاراتی به منطقه غرب ایران نمود که این منطقه همواره به عنوان یک هدف مهم سیاسی و نظامی و دست نیافتنی برای بین‌النهرینی‌ها به جهت بدست آوردن منابع بوده است.

در سده‌های پایانی هزاره سوم قبل از میلاد همزمان با تشکیل پادشاهی متحد ایلام در شوشان و مقارن رشد و گسترش امپراتوری اکد در بین‌النهرین به روزگار پادشاهی سارگون (۲۳۳۴ تا ۲۲۷۹ ق.م) از ساکنان زاگرس برای نخستین بار نامی به میان می‌آید. (کامرون، ۱۳۶۵: ص ۲۴) در این زمان علاوه بر ایلامی‌ها که در دشت شوشان می‌زیستند در زاگرس مرکزی و جنوبی اقوام دیگری از قبیل هوریان (Edzavd/kammenhuber, 1972-75 507-514) لولوبیان و گوتیان (دیاکونوف، ۱۳۴۵: ۱۳۸) و کاسیان (همان، ۱۵۹) نام برده شده است که اینان با عیلامیها از یک تبار نژادی بودند و با سامیان میانرودانی قرابتی نداشتند و هند و اروپایی نبودند (ملکزاده، ۱۳۷۴: ۸۶) بنا به اعتقاد محققین این گروه را زاگرو-عیلامی می‌توان نام نهاد (کامرون، ۱۳۶۵: ۱۴).

آنچه می‌دانیم این است که در ساختار قوم‌شناسی زاگرس، تا پیش از درآمدن تازه‌واردان ایرانی زبان به این منطقه، در پایان هزاره دوم قبل از میلاد، دگرگونی اساسی رخ نداده است (علیزاده، ۱۳۷۱: ۳۴).

در طول هزاره دوم قبل از میلاد لولوبیان و گوتیان در زاگرس شمالی پراکنده شدند و به

جغرافیای تاریخی به عنوان یک مقوله علمی امروزه راه مناسبی برای مطالعات باستان‌شناسی فراهم آورده است. بدون این زمینه مناسب و در فقدان مدارک مکتوب تعیین هویت و تعلق بسیاری از محوطه‌های باستانی و فرهنگ‌ها با ابهام همراه خواهد بود. پردختن به این مباحث قطعاً اطلاعات ارزشمند تاریخی و جغرافیایی را در نقاط مختلف در اختیار دانش‌پژوهان قرار می‌دهد. منطقه زاگرس مرکز که در اصطلاح برخی از محققین دروازه فلات ایران نامیده می‌شود، از نقطه نظر استراتژیکی و مواصلاتی قابل توجه است. علاوه بر اهمیت این منطقه در دوران پیش از تاریخ، در بدو شروع دوران تاریخی و گسترش ایران در دوران امپراطوری هخامنشی به عنوان یک منطقه مهم موردنظر مورخین و جغرافیا نویسان یونانی و سپس رومی بوده است.

جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی از آغاز تا دوره هخامنشی

در بررسی جغرافیای این منطقه تا قبل از برآمدن مادها به منابع محدودی می‌توان استناد جست. مهمترین مدرکی که می‌توان بدان اشاره نمود نقش برجسته و کتیبه آنوبانی‌نی در سرپل ذهاب است که به عنوان یک مدرک مکتوب و قابل توجه، همزمان با دوره اکاد در بین‌النهرین است. اگر از این مدرک بگذریم مدرک قابل استناد مکتوب دیگری در خصوص این منطقه و در درون منطقه در اختیار نداریم.

درک کامل جزئیات آن گویا غیرممکن باشد. دقیق‌ترین جزئیات جغرافیایی غربی‌ترین نواحی، مکان‌هایی که با خاک آشور همسایه بود، به دقت شناخته شده، هر چه از سوی مرزهای آشور به سمت شرق و درون فلات ایران پیش رویم، شناسایی نواحی جغرافیایی اندک اندک کاستی می‌گیرد چراکه هر ناحیه شرقی نسبت به ناحیه غربی همسایه آن مکان‌یابی می‌شود (ملکزاده، ۱۳۷۴: ۸۷).

متون آشوری از دهها مکان جغرافیایی نام می‌برند (Parpola, 1970) بر اساس این متون می‌دانیم که در سراسر نیمه غربی و شمال غرب فلات ایران در فاصله سده‌های ۹ تا ۶ قبل از میلاد ده‌دژها و دولت شهرها و پادشاهی‌های متعدد کوچک و بزرگ پراکنده بوده‌اند (Levine, 1969, 1974, 1973) یکی از مهمترین نامهای مطرح در زاگرس میانی الیپی است. در متون آشوری به کرات از این شاهک‌نشین و مرکز آن به نام مرثوبیتشو نام برده شده است.

درباره مکان‌یابی الیپی نظرات گوناگونی ابراز شده است. اشتراک (Konig, 1938, 357) شمال غربی لرستان را محل الیپی می‌داند. دیاکونف (دیاکونف، ۱۳۴۵: ص ۱۲۰) الیپی را در نقطه‌ای شمالی‌تر از آن و در محل کنونی شهر کرمانشاه قرار می‌دهد. کایکر یانگ (Young, 1967, 13) شمال لرستان تا ماهیدشت و دره اسلام آباد را محل الیپی ذکر می‌کند. لوین (Levine, 1974, 106) نیز نظری مشابه یانگ دارد و الیپی را در امتداد جاده خراسان بزرگ و خاک اصلی آن را در

گونه‌ای که در آغاز هزاره اول قبل از میلاد این دو گروه با هوریان به کلی مخلوط شدند و در زاگرس شمالی، حوالی دریاچه ارومیه و به سمت غرب تا آناتولی، گسترده شدند به طوری که در میانه هزاره دوم ق.م پادشاهی میتانی را در میانرودان شمالی بنیاد نهادند و همین گروه پادشاهی مانا و اوراتو را تاسیس کردند (Grantovkii, 1977, 429). این گروه قومی در نیمه آغازین هزاره دوم قبل از میلاد از زاگرس میانی به سمت بین‌النهرین به حرکت درآمدند و پادشاهی کاسی در بابل را برپا ساختند. و همین گروه در آغاز هزاره اول قبل از میلاد در نزدیکی کوه الوند در نزدیکی همدان امروزی شهری به نام کارکاشی^۱ برپا ساختند. در مناطق جنوبی زاگرس مرکزی در مرزهای طبیعی با عیلامی‌ها در سده‌های آغازین هزاره اول ق.م پادشاهی الیپی بنیان‌گذاری شد (Konig, 1938 357).

پس از این دوران در سده‌های آغازین هزاره اول قبل از میلاد و همزمان با اوج دوره شکوفایی آشور نو، دولت ماد شکل گرفت. قدرت روزافزون آشور و کمبود منابع طبیعی باعث هجوم لشکریان این قوم به کوهستان‌های زاگرس گردید و بدین ترتیب بود که بخشی از جغرافیای تاریخی غرب ایران در متون تاریخی آشوری ذکر گردید (دیاکونف، ۱۳۴۵: ۱۴). فهم پیچیدگی‌های تاریخ ماد از بدو ورود ایرانیان تا بنیانگذاری پادشاهی ماد و نیز حتی پس از آن تا آغاز شاهنشاهی هخامنشیان، منوط به درک سیاسی و تاریخی ماد است. چشم‌انداز متون بین‌النهرینی از سرزمین ماد به اندازه کافی واضح است، ولی

جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوره هخامنشی

با به قدرت رسیدن هخامنشیان زاگرس مرکزی اهمیت خود را به عنوان گذرگاه ارتباطی به سمت بین‌النهرین حفظ نمود. پس از به قدرت رسیدن داریوش اول و سرکوب فتنه‌های سیاسی این پادشاه کتیبه بیستون را به عنوان یک سند ارزشمند بر دیواره کوه بیستون حجاری نمود. هرچند بعداً سیاحان و مورخین از جمله دیودور سیسیلی (در قرن اول میلادی) به اشتباه حجاری و کتیبه بیستون را به سمیرامیس ملکه داستان‌آشور نسبت داد (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۱۴۰۱). علاوه بر این با توجه به کتیبه‌های موجود در گنج‌نامه همدان می‌توان به اهمیت این منطقه در دوران هخامنشی پی برد. آنچه در کتیبه بیستون جالب توجه است در بند ششم است. در این بند داریوش می‌گوید که لشکر پارسی و مادی که با من بود کم عده بود. بدین سبب از اینجا قشونی فرستادم وی درنه نامی است پارسی که تابع من است. او را فرمانده آن‌ها (پارسی‌ها و مادی‌ها) کرده گفتم بروید و درهم شکنید آن قشون مادی را که خود را از من نمی‌دانند. وی درنه فوراً با سپاهیان من حرکت کرد. وقتی که به ماد رسید در محل موسوم به مروش (مارو) با مادی‌ها جنگید. کسی که در ماد شاه بود به آنها کمک نکرد. اهورامزدا یاری خود را به من عطا کرد. به اراده اهورامزدا قشونی که در تحت فرماندهی وی درنه بود بر قشونی که از من برگشته بود غلبه کرد. روز ششم ماه انامک بود که این جنگ واقع شد. پس از آن سپاهیان من در

دره اسلام آباد و مکان آنرا در جنوب شهر اسلام آباد غرب قرار می‌دهد.

با تشکیل دولت ماد در محل دژ کارکشی و تاسیس هگمتانه متون تاریخی به گونه‌ای دیگر رقم می‌خورد. همچنانکه محققین اشاره می‌کنند نام ماد در متون آشوری نیامده است (ملکزاده، ۱۳۷۴: ۹۵) لیکن در متون بابلی از اگمتنو^۱ یاد شده است (Pritchard, 1950, 305). از همه مهمتر ذکر نام هگمتانه در روایت هرودت در مورد بنیانگذاری شهر هگمتانه است. (تاریخ هرودت، ۱۳۳۶: ۱۸۷) پس از هرودت روایت کتزیاس که از سال ۴۱۶ تا ۳۸۹ قبل از میلاد پزشک دربار ایران بود، اشاراتی به ساخت بنای شهر دارد که پس از این دو روایت، روایت‌های آرامی احتمالاً در کتاب عزرا و کتابهای طوبیت و جودیت از هگمتانه نام برده شده است (ملکزاده، ۱۳۷۴: ۹۶).

پس از فتح ماد توسط کوروش هخامنشی ماد به عنوان مقر دوم پادشاهان هخامنشی اهمیت خود را کماکان حفظ نمود و از هگمتانه به عنوان پایتخت تابستانی استفاده گردید (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۲۶۱). همچنانکه می‌دانیم پارس‌ها و مادها از یک ریشه نژادی مشترک برخوردار هستند. برخی از محققین ضمن مکان‌یابی پارسوا محل آنرا در روانسر مکان‌یابی می‌کنند (Levine, 1974, 106-). 8 لیکن این مکان‌گزینی با اقبال مواجه نگردید.

بسیاری از محققین از جمله گیرشمن (Ghirshman, 1950, 205-220) معتقدند که پارسیان ابتدا در زاگرس مستقر بودند که البته این موضوع از سوی محققینی چون استروناخ و دومیرشچی مورد مخالفت قرار گرفت.

زمان پارتها منطقه وسیع‌تری را شامل می‌شد: همدان، کرمانشاهان، اراک، اصفهان و یزد (سلطانی، ۱۳۷۰: ص ۱).

بنا به اقوال تاریخی فتح ماد، عیلام، پارس، بابل و سوریه توسط مهرداد اول در بین سالهای ۱۶۰ و ۱۴۰ قبل از میلاد اتفاق افتاد (Justin, Xli به نقل از: خدادادیان، ۱۳۸۱: ۱۰۸) و باز نقل است که مهرداد در سال ۱۵۵ ق.م پس از فتح ماد شخصی به نام باگاز را به عنوان حکمران آن ناحیه تعیین کرد (دیاکونف، ۱۳۴۵: ۲۶۸).

استرابن یونانی که در سال ۵۰ قبل از میلاد متولد شد ماد را به دو قسمت مدی کبیر و مدی صغیر تقسیم می‌کند و پایتخت ماد کبیر را شهر اکباتان نام می‌برد. او اشاره می‌کند که اکباتان بیلاق سلاطین اشکانی است که با واسطه خوشی آب و هوا و اعتدال فصول تابستان را در آن جا به سر می‌بردند و در زمستان به سلوکیه می‌رفتند (حکیم، ۱۳۶۶: ۴۸۴).

علاوه بر همدان در متون تاریخی از وجود کاخی در آدراپانا^۱ که در شاهراه بابل به همدان قرار گرفته بود یاد شده است که این کاخ در حمله تیکران به ماد آتش زده شد (مشکور، ۱۳۵۰:

۱۳۸). پولی بیوس از وجود قصری در همدان گزارش می‌دهد: ستون‌های این قصر از چوب سدر و سرو ساخته شده روی این ستونها را با لوحه‌های سیمین و زرین پوشانیده‌اند و تخته‌های پوشش عمارت هم از نقره خالص است (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۲۲۳).

و در جای دیگر به نقل از پولی بیوس اضافه می‌کند: به حال معلوم است که در دوره اشکانی

کمبد^۲ که ناحیه‌ای از ماد است ماندند تا من بر آن‌ها وارد شدم (پیرنیا، ۱۳۸۱: ۵۰۲).

بند دوازدهم: پس از آن من حرکت کرده از بابل به طرف ماد رفتم چون وارد ماد شدم در محلی از ماد موسوم به کوندوروش (کوندورو) فرورتیش که خود را شاه ماد می‌خواند با قشونی به قصد من آمد و جنگ کردیم. اهورامزدا یاری خود را به من عطا کرد. به اراده اهورامزدا قشون فرورتیش را شکستی فاحش دادم. روز ۲۶ ادوکانیش این جدال روی داد (همان، ۵۰۴).

یکی از مهمترین نکات قابل توجه در خصوص ایالت ماد وجود راه باستانی و قدیمی از فلات ایران به بابل است. محققین بسیاری از این راه و در اهمیت آن سخن گفته‌اند. سایکس در این خصوص می‌نویسد: قدیمی‌ترین راه بزرگ ایران آنست که از بابل شروع شده از تنگه‌های زاگرس گذشته به کرمانشاهان و همدان که اکباتان قدیم باشد می‌رسید، اما در زمان سلاطین هخامنشی این شاهراه از ساردس به اکباتان و از آنجا به ری و در امتداد دامنه جنوب البرز به باکتريا می‌رفت (سایکس، ۱۳۴۳: ۳۲).

جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوره اشکانی

جغرافی دانان قدیم سرزمین ماد را به دو ناحیه تقسیم می‌کند: ماد بزرگ را که شامل همدان، ری و اصفهان می‌دانستند و ماد کوچک که همان آذربایجان و قسمتی از کردستان بود. ماد بزرگ در

به لائودیسه نسبت می‌دهند: "در مورد ماد، لوحه‌ای متعلق به سال ۱۹۳ قبل از میلاد در لائودیسه (نهایند) در جاده بین بابل و اکباتان پیدا شده است که شهر را به نام لائودیسه همسر آنیخوس سوم نامگذاری کرده‌اند" (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۴۳). دینوری در کتاب خود از وجود کاخی در نهایند اواخر دوره اشکانی و یک پادشاه محلی به نام فرخان در زمان اردوان اشاره می‌کند (دینوری، ۱۳۷۴: ۶۸).

از دیگر مکانهایی قابل توجه در دوران اشکانی، بیستون است. با توجه به اهمیت این محل در دوران هخامنشی شاهد حجاری چند نقش برجسته با کتیبه‌ای از دوران اشکانی در این محل هستیم (بیگولوسکایا، ۱۳۷۲: ۱۰۳).

کامبادنه (کرمانشاه امروزی) نیز در گزارش ایزیدور خاراکسی به عنوان یک محل مورد توجه قرار گرفته است که دارای پنج روستا و یک کاروانسرا بوده است (خاراکسی، ۱۳۸۱: ۵). در مسیر خروج از فلات ایران و کوههای زاگرس و در متن خاراکسی اشاره‌ای به شهر حلوان شده است. «از اینجا چالونیتس، دو سخونی که در آن پنج روستا است که کاروانسرا دارند و شهر یونانی چالا^{۱۵} سخون در آنسوی آیولونیتس. آنگاه پس از پنج سخون کوههای زاگرس خوانده می‌شود و مرز میان چالونیتس و مادهاست» (همان، ص ۶).

بیگولوسکایا در خصوص این شهر می‌نویسد: تیرداد که به تحریک رومیان و در زمان اردوان سوم شهرهای خل (حلوان) و ارتمیت^۹ را که شهرهای پارتی نامیده می‌شدند، متصرف گردید.

معبدی هم در همدان بوده که از شیوه‌های مختلف معماری ترکیب شده بود و ستون‌هایش شباهت زیادی به ستون‌های دوریک یونانی داشت این معبد را هم از آن‌ها دانسته‌اند مردم زیادی در دوره اشکانی بدان جا برای قربانی کردن می‌رفتند و نیاز می‌دادند. در زمان پادشاه سلوکی آنیوخوس سوم آن معبد را غارت کردند و چهارهزار تالان از ذخایر آن را ربود (پیرنیا، ۱۳۱۷: ۲۷۰۲).

وجود معبدی در همدان در گزارش خاراکسی چنین آمده است: "سپس اکباتانه پایتخت مدیا و خزانه‌داری که معبدی از آنائیتس^۶ در آن است و همیشه در آنجا قربانی می‌کنند" (خاراکسی، ۱۳۸۱: ۵). پس از معبد آن‌هیتای همدان، مهمترین متن بر جای مانده که همان نوشته‌های خاراکسی است که به معبد آرتیمیس در کنگاور اشاره نموده است: "از اینجا، مدیای علیا، ۳۸ سخونی از ابتدای خاک آن شهر کنکوبار قرار دارد که معبد آرتیمیس در آنجاست. سه سخونی آنجا بازیگربان^۷ است که گمرگ خانه دارد (Schoff, 1914, 7).

از دیگر شهرهای دوران اشکانی با توجه به متون بر جای مانده شهر نهایند است. دیاکونوف به نقل از مورخین یونانی می‌نویسد: "در اینجا نیز پلیس‌های جدیدی ایجاد شد که مانند انطاکیه پارس و لائودیکه (لائودیسه) در ماد (نهایند) را نام برد" (دیاکونوف، ۱۳۵۱: ۲۴).

نهایند دارای اهمیت ویژه‌ای در دوران مورد بحث بود. مقر کارنها مانند گذشته در ناحیه نهایند بود و سورنها در سیستان، اسپهپاتها در گرگان می‌زیستند (همان، ۴۱۳). ساخت شهر نهایند را

اشکانیان بازیگر ابان آمده است که ظاهراً همان بازگیران یا باجگیران است (همان، ۲۸۴). جالب است اشاره کنیم که این راه باستانی در دوران ساسانی و قرون اولیه اسلامی نیز به عنوان تنها راه عبور به سمت بین‌النهرین ذکر گردیده است. به عنوان مثال در گزارش ابن رسته (ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۹۶) به یک ایستگاهی که از خانقین به قزوین ادامه داشته است اشاره نموده است. بارتولد در این خصوص می‌گوید: ایزیدور خاراکسی راهی را که از سلوکیه به اکباتان یا همدان می‌رفت شرح می‌دهد. از ذکر اسم حالا یا حلوان، کارانیا یا کرند، کنگوبار یا کنگاور معلوم می‌شود که این راه مطابق همان راهی است که جغرافی نویسان عرب شرح داده‌اند و تا به امروز برقرار است (بارتولد، ۱۳۷۲: ۲۱۰).

جغرافیای تاریخی زاگرس مرکزی در دوره ساسانی

اهمیت زاگراس مرکزی در دوره ساسانی نسبت به دوره قبل از آن (اشکانی) بیشتر می‌گردد. گزارشهای مورخین و جغرافی‌نویسان ایرانی و عرب و دشمنان رومی، حاکی از توجه ویژه پادشاهان ساسانی به این منطقه است. علاوه بر راه باستانی جاده ابریشم این منطقه به عنوان بیلاق پادشاهان ساسانی اهمیت خاصی می‌یابد. شهرها و مکان‌های بسیاری در گفتار نویسندگان درخصوص این منطقه ارائه شده است. به عنوان غربی‌ترین ناحیه از حلوان آغاز می‌کنیم. حلوان شهری است که بر روی کوه واقع و مشرف بر

خل یا خلا^{۱۱} (حلوان) همانند ارتمیت در شرق دجله واقع شده بودند. گرچه شهرهای مذکور از جمله شهرهای پارتی بودند، ولی جغرافیانگاران یونانی هر دو شهر را دارای منشاء یونانی دانسته و عنوان پولیس هلنی را درباره آنها بکار برده‌اند (پیگو لوسکایا، ۱۳۷۳: ۹۲).

از دیگر موارد مورد توجه در خصوص محدوده زاگرس مرکزی عبور جاده ابریشم از این محدوده است. مسیری که خاراکسی از دشت بین‌النهرین پیشنهاد می‌کند ابتدا از چالا (حلوان) به داخل کوههای زاگرس و پس از آن به کارنیا (کرند امروزی)، کامبادنه (کرمانشاه)، بیستون، کنکوبار (کنگاور)، آدریانه و سپس به اکباتان می‌رسیده است (خاراکسی، ۱۳۸۱: ۵).

این جاده علاوه بر استفاده نظامی دارای منافع اقتصادی نیز بود. بنا به نوشته پلینی^{۱۱} که یکی از دانشمندان رومی همزمان اشکانیان است، قالیچه‌های ایرانی کاخهای رومی را می‌آراستند. او همچنین می‌نویسد که صمغ، کتیرا و جگن ایران به روم صادر می‌شد. همچنین چرم پارتی نیز از شهرت زیادی برخوردار بود و امپراتوران رومی چکمه‌های ساق بلند سرخ رنگ پارتی را می‌پوشیدند (رجبی، ۱۳۸۱: ۲۸۴). به نوشته فیلوستراتوس^{۱۲} نویسنده یونانی معاصر با دوره پایانی دودمان اشکانی می‌دانیم که کالاهای وارداتی و صادراتی در دفترهای مرزی (گمرک خانه‌ها) به ثبت می‌رسیدند. همچنین دروازیانان شهرهای بزرگ با همکاری ورود و خروج اتباع بیگانه را ثبت می‌کردند. در گزارشی از ایزدور خاراکسی نام محل دریافت گمرک در زمان

مجلل داشته است و همه پر نقش و نگار و آرایش شده بوده‌اند (قزوینی، ۱۳۷۱: ۲۰۹).

پس از قصرشیرین کرمانشاه مکان توجه بسیاری از مورخین و سفرنامه‌نویسان بوده است. و او قباد، از مداین تا رودخانه بلخ، در همه راه هیچ سرزمینی نیافت که هوایش از کرمانشاهان، گردنه همدان خوشتر و آبش گوارتر و نسیمش لذت‌بخش‌تر باشد. این بود که قرماسین را ساخت و برای خویش کاخی بلند بر روی هزار ستون بنا کرد. پس قرماسین کلمه‌ای است پارسی یعنی کرمانشاه، خسروان از آن پس از مداین تا گردنه همدان و قصرشیرین بناها ساختند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۲۶).

در خصوص نقوش طاق بستان قزوینی آورده است: شگفت اینجاست که صورتگر در این نقش هر رنگی را جداگانه به تناسب در جای خود بکار برده است. رنگ قرمز، رنگ سفید و رنگهای گوناگون دیگری که در تصویر بکار رفته، چنین به نظر می‌آید که صورتگر در هنر رنگ‌سازی و رنگ‌آمیزی بسیار مهارت داشته و شگردی را به کار برده که هنوز ناشناخته است. ظرف سالیان دراز هیچ رنگی از این رنگها ابدأ رنگ نباخته و گویی هنوز نو هستند و هرگز کهنه نمی‌شوند (قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۱۸).

پس از کرمانشاه، بیستون واقع است: بیستون قریه ایست میان همدان و حلوان و اسم آن در قدیم ساسان و ساسانیان بوده، تا همدان چهار منزل و تا قرمیسن هشت فرسخ ... بهستونی که صاحب معجم فرموده ، همان هستون معروف است و تعیین موضع آن را یاقوت حموی نیز

عراق است. بنای آن از گل و سنگ و در حدود نصف دینور است. شهری است گرمسیر دارای درختان خرما و انجیر (ابن حوقل، ۱۳۶۴: ۱۱۲). در حلوان نیز آثاری شبیه به بناهای قصرشیرین موجود است. از آنجا به طاق حجام و آن طاقی سنگی در سر راه واقع در تنگه‌ای میان دو کوه و دارای سقف بلند شگفت‌آور است (سفرنامه ابودلف، ۱۳۵۴: ۵۸).

و نیز استان حلوان را که شادفیروز نام داشت با جاهای دیگر به استان جبل افزودند (مسعودی، ۱۳۴۹: ۴۱). از مداین سبعة عراق عرب است. قباد بن فیروز ساسانی ساخت. اکنون خراب است و بقدر مختصر مزرعه‌ای مانده و ولایتش کمابیش سی پاره قریه است (مستوفی، ۴۲).

پس از حلوان قصر شیرین یکی از محل‌هایی است که مورد توجه قرار گرفته است. قصرشیرین دهی است بزرگ و اندر وی یکی ایوان است از سنگ و مرمر گسترده خسرو پرویز ساخت جهت همخوابه‌اش شیرین و آن قلعه‌ای بزرگ بوده است از سنگ لاشه و گچ. دورش دو هزار گام باشد و در غربی آن قلعه جهت خسرو پرویز جایگاهی ساخته بود و رباطی سخت عالی جهت آیندو روند و از آن رباط اندکی معمور است (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۵).

قصرشیرین قصری است بین همدان و شهر بغداد در کنار رودخانه‌ای است. این قصر را کسری پرویز برای یار عزیزش شیرین بانو بنا نهاد قصرشیرین تا زمان ما مانده است. قصری بود بسیار فخیم و مجلل، تالارها، شادروان‌ها، ایوان‌ها، اتاق‌ها، رواق‌ها و مهتابی‌های بسیار بلند و

بیست ذراع بود. هرکس کاخ را می‌بیند می‌پندارد که از یک پارچه سنگ است نه شکافی نه درزکی در سراسر این بنا پدیدار نیست. مولف عجایب الاخبار گوید: اگر خواهی از شگفت‌انگیزترین شگفتی‌های زمان دیدن کنی برو این کوشک و سرای سربه فلک کشیده با ستون‌های مرمری را نظاره کن (قزوینی، ۱۳۷۱: ۲۱۶).

و در کرمانشاهان آن دکان است که پادشاهان جهان بر آن گرد آمده‌اند: فغفور پادشاه چین خاقان پادشاه ترک و داهر پادشاه هند و قیصر پادشاه روم و خسرو پرویز. دکان به شکل چهارگوشه از سنگ ساخته شده است. به گونه‌ای آن را ظریف و استوار ساخته‌اند و یا میخهایی آهنین استوار کرده‌اند که هیچ گونه رخنه‌ای میان دو سنگ پیدا نیست و هر بیننده گمان برد که آن یک تخته سنگ است. دکان از سنگ است و آن را بر فراز تپه‌ای ساخته‌اند، نمی‌دانیم برای پریان ساخته‌اند یا برای انسان ... گویند پادشاهان جهان در کنار این دکان در پیشگاه پرویز بن سامان گرد آمده‌اند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۳۴).

هر چند اقوال فراوانی در مورد کنگاور ذکر گردید لیکن ما به همین بسنده نموده و نظری به نیاوند دیگر شهر مورد توجه در دوران ساسانی می‌پردازیم. نیاوند بر سر کوهی قرار گرفته و نمای آن از گل و دارای چشمه‌ها و باغ‌ها و میوه‌های فراوان و خوب است و از میوه آن به عراق می‌برند (ابن حوقل، ۱۳۶۴: ۱۱۱). در نزدیکی شهر نیاوند کوهی است به نام کوه نیاوند ابن فقیه می‌فرماید، دو طلسم به اشکال گاو و ماهی در آن کوه دیده می‌شوند. گویند این نگهبان

درست نمود و اگر چه اکنون یاقوت گفته قطعه‌ای است ولی به قراین عدیده^۱ مستفاد می‌شود که در این موضع شهر و آبادی معتبری بود. خرابه‌های زیادی در دامنه این کوه (بیستون) هست. که بر آبادی قدیم دلالت دارد، از آثار خرابه تفرقه مصالح کهنه و علامت سیاهی که در بعضی از این مصالح باقی است و ظاهر است که از پایه‌های آهنی و سربی در بعضی از عمارات آنجا بکار رفته و از قبیل ستون‌های سنگی و غیره در آنجا یافت می‌شود. اینکه بدانیم وضع این شهر چه بود و کی بنا نمود امری غیرممکن است چون هیچ یک از مورخین عرب و عجم و یونانی صریحاً چیزی ننوخته‌اند و از قرار ظاهر که که دلیل است بر اینکه بعد از غلبه عرب بر عجم این شهر آباد و مدتی مسکن اعراب بوده زیرا در میان خرابه‌های بیستون الواحی از مرمر پیدا شده که منقور به خط کوفی است و بر دیوار معتبری که با عمارت سلطنتی بنا کرده‌اند بعضی خطوط پهلوی رسم شده و صورت مردی که لباس مرواریدی در بر و شمشیری بلند در دست و تاجی بر سر دارد به نظر می‌آید که یکی از سلاطین ساسانی باشد (حکیم، ۱۳۶۶: ۳۰). در نزدیکی بیستون بقایای قلعه سرماج قرار دارد در آنجا یک سکوی بزرگ سنگی وجود دارد که قسمتی از سنگ‌های آنرا یکی از کردها کنده و با آن دژ بزرگی به نام سرماج (سرماج) درکوهی که مشرف بر این قریه است بنا نموده (مینورسکی، ۱۳۵۴: ۶۴).

کنگاور از دیگر مکانهای مورد توجه مورخین بوده است کسری پرویز کاخی در آنجا برافراشت که بنیادش صد ذرع اندر صد ذرع و ارتفاعش

بین‌النهرین نیز به خاک ایران الحاق می‌گردد. در دوران ساسانی نیز اهمیت بی حد و حصر این منطقه با توجه به حجم فراوان آثار و بقایای باستانی این سلسله غیر قابل انکار است. با توجه به نکات پیش گفته، ضروریست تا توجه بیشتری در مطالعات تاریخی و باستان‌شناسی در خصوص این منطقه بعمل آید تا در پرتو این مطالعات بتوان حداقل بخشی از حوادث مهم تاریخی حادث در این منطقه را روشن نمود و در پرتو این مطالعات وضعیت تاریخی و فرهنگی این بخش مهم و حیاتی کشورمان را روشن نمود.

آن نهاوند باشند تا این طلسم می‌باشند آن نهاوند کم نمی‌شود (قزوینی، ۱۳۷۱: ۱۲۱). علاوه بر شهرهایی که نام بردیم شهرهای دیگری در این منطقه گزارش شده‌اند. این ناحیه را شهرهای پهلویان نامند و آن همدان است و ماسبدان و مهرجان قذق که حیمره (کمره) است و قم و ماه بصره (نهاوند و ماه الکوفه (دینور) و کرمانشاهان و... (ابن‌فقیه، ۱۳۴۹: ۲۳). و بالاخره در کتاب شهرستانهای ایران ساخت شهر همدان را به یزدگرد پسر شاپور که او را یزدگرد خشن می‌خوانند نسبت داده شده است (تفضلی، ۱۳۶۸: ۳۳۵).

یادداشتها:

- 1 - Kar-Kasi
- 2 - Agamatanu
- 3 - Achmetha
- 4 - Kampada
- 5 - Adrapana
- 6 - Annaitis
- 7 - Bazigraban
- 8 - Chala
- 9 - Artemite
- 10 - khal/ khala
- 11 - Pliny, NH, VIII, 48
- 12 - Philostratus

منابع

- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی، ۱۳۴۹، ترجمه مختصر البلدان، بخش مربوط به ایران، ترجمه ح. مسعود، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران

نتیجه‌گیری

آنچه به اجمال از نظر گذشت، چکیده و خلاصه‌ای از وضعیت زاگرس مرکزی در دوران قبل از اسلام بود. در دوران مورد بحث این منطقه از جایگاه ویژه‌ای به عنوان یک گذرگاه ارتباطی حساس برخوردار بوده است، به نحویکه با دستیابی به این منطقه عملاً کنترل بخش عمده‌ای از جهان آن روزگاران در اختیار اقوام و حکومتها قرار می‌گرفت. شواهد این ادعا در اوایل دوران هخامنشی و با فتح ماد صورت می‌گیرد و در پایان تراژدی غمناک هخامنشیان نیز با فتح این ناحیه، امید از اردوی آخرین پادشاه این دودمان رخت بریست.

گسترش حکومت اشکانیان به سمت غرب نیز توسط مهرداد از این ناحیه آغاز می‌گردد به نحویکه در طی مدت کوتاهی پس از فتح ماد،

- ابن حوقل، ۱۳۶۴، سفرنامه ابن حوقل در ایران، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ابودلف، ۱۳۵۴، سفرنامه ابودلف در ایران در سال ۳۴۱ هـ ولادیمیر مینورسکی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی تهران، انتشارات زوار.
- بارتولد، و. ۱۳۷۲، تذکر، جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، انتشارات توس، چاپ سوم.
- ابن رسته، ۱۳۶۵، الاعلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره خانلو، انتشارات امیرکبیر.
- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله)، ۱۳۸۱، تاریخ ایران باستان، تهران دنیای کتاب، چاپ چاپ هشتم تهران.
- پیگولوسکایا، ن، ۱۳۷۳، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌اله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم.
- تفضلی، احمد، ۱۳۶۸، شهرستانهای ایران "در کتاب شهرهای ایران، جلد سوم، به کوشش محمد یوسف کیانی، انتشارات جهاد دانشگاهی، جلد سوم، صفحه ۳۴۹-۳۳۲.
- حکیم(گنج دانش)، محمدتقی‌خان، ۱۳۶۶، جغرافیای تاریخی شهرهای ایران، به کوشش محمدعلی صوتی و جمشید کیان فر، ج اول، تهران، انتشارات زرین.
- خاراکسی، ایزیدور، ۱۳۸۱، کاروانسراهای اشکانی، ترجمه همایون صنعتی زاده، کرمان.
- خدادادیان، اردشیر ۱۳۸۱، اشکانیان (تاریخ ایران باستان، مجموعه پنجم)، نشر جاوید.
- دینوری، ابوجنیفه احمد بن داود، ۱۳۶۴، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشرنی.
- دیاکونوف، میخائیل، میخائیلوویچ ۱۳۵۱، اشکانیان، کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام.
- دیاکونوف، آ. م ۱۳۴۵، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- رجبی، پرویز، ۱۳۸۱، هزاره‌های گمشده، جلد چهارم، اشکانیان، تهران نشر طوس.
- سایکس، س. پ، ۱۳۴۳، تاریخ ایران، ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی، چ اول، تهران چاپخانه علمی.
- سلطانی، محمد علی، ۱۳۷۰، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، جلد اول، تهران.
- علیزاده، عباس، ۱۳۷۱، بازتاب نقش جغرافیای زیست محیطی و اقتصادی در تحولات جنوب باختری ایران، مجله اثر سازمان میراث فرهنگی کشور.
- قزوینی، ذکریا، آثارالبلاد، اخبارالعباد، ۷۳-۱۳۷۱، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، تصحیح محمد شاهمرادی، ۲ جلد، دانشگاه تهران.
- کامرون، ج، ۱۳۶۵، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ملک‌زاده، مهرداد، ۱۳۷۴، هگمتانه پایتخت‌های ایران، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور صفحه (۱۴۶-۸۳).

-Ghirshman , Roman, 1950. un bas-relief artaloan Vavec inscription en pehlvi arsacids , in: monuments et memoires de la fondation piot, 44, paris : presses univercity de france

-Grantovkii,E.A,1977, Manna ,Great Sovit Encyclopedia XV,p429

-Koning,1938,Elipi Reallexikon der Assyriologie II,p357

-Levine, L,1969,Contributions to the Historical Geography of the zagros in the Neo-Assyrian period. Ann Arbor:Michigan

-Levin,L,1973,Geographical studies in the Neo-Assyrian zagros-I *Iran*,XI ,pp1-27

-Levine,L.1974, Geographical studies in the Neo-Assyrian zagros-II *Iran* ,XII,pp99-124

-Levin,L. 1975,survey in the province of kerman shanan,*Iran*,XIII

-Parpola,S,1970,Neo-Assyrian toponyms,Alter orient und Altes Testment VI,Neukirchen-vluyn

-Pritchard,J.B. 1950,Ancient Near Eastern Text,Princeton

-Schoff, W.H (ed).1914. Parthian stations by Isidore of Charax: an account of the overland trade route between the Levant and India in the First Century B.C. Chicago: Ares Publishers.

-YOUNG T.C .1967,The Migration in to the zagros ,*Iran* ,V ,pp11-34

- مشکور، محمدجواد، ۱۳۵۰، تاریخ سیاسی

اجتماعی اشکانیان، تهران.

- مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۵۴، سفرنامه

ابودلف در ایران در سال ۳۴۱ هـ. ترجمه سید

ابوالفضل طباطبایی تهران، انتشارات زوار.

- مسعودی ابوالحسن علی بن حسین، ۱۳۴۹،

التنبیه و الاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، بنگاه

ترجمه و نشر کتاب.

- مستوفی حمد، ۱۳۳۶، نزه القلوب، به

اهتمام دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران.

- ویسهوفر، ۱۳۷۷، ایران باستان از ۵۵۰ پیش

از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه مرتضی

ثاقب فر، انتشارات ققنوس.

هرودوت، ۱۳۳۶، تاریخ هرودوت، ترجمه وحید

مازندرانی، تهران

-Edzard , D.O / Kammen huber , 1972-

75 . " Hurriter .“ Reallexikon der Assyriologie und vorderasiatischen Archaologie IV , pp . 507-514 .

پرتال جامع علوم انسانی